



احمد عربلو  
تصویرگر مجید صالحی

# پهلوان و فیل

در شماره‌های قبل خواندید که: پهلوان محمد مالانی از بزرگ‌ترین پهلوانان ایرانی در حضور حاکم ادعا کرد که انسان برتر از حیوان است و او می‌تواند بر فیل بزرگی که در میان میدان بود غلبه کند. حاکم فرمان داد که پهلوان باید با فیل کشتی بگیرد. همین اتفاق هم افتاد و در حالی که همه درباریان نگران پهلوان بودند فیل و پهلوان در میانه میدان به هم پیچیدند و حالا ادامه ماجرا:

قسمت دوم



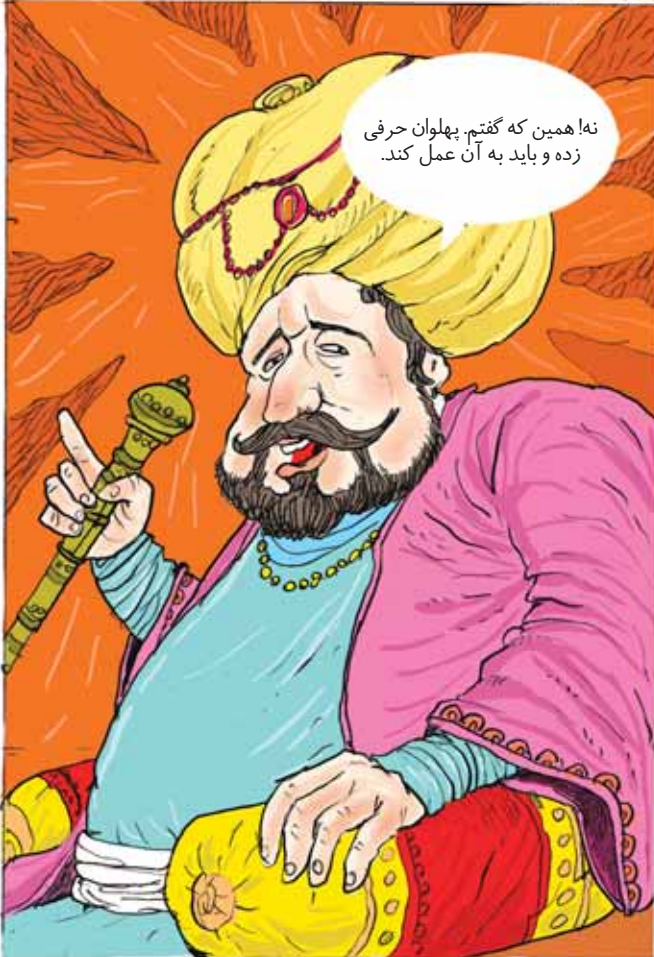
اگر شما اجازه بدهید حاضریم با این حیوان مبارزه کنیم!



حال که چنین می‌گویی، باید حرف خودت را ثابت کنی! مرد را به عمل می‌سنجند پهلوان، نه به حرف.



باید این کار را بکنی. باید حرفت را ثابت کنی.



نه! همین که گفتیم پهلوان حرفی زده و باید به آن عمل کند.

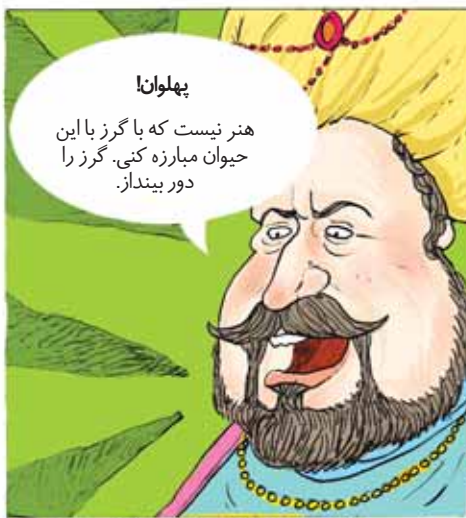


درباریان به وحشت افتادند. همه نگران این مبارزه بودند. نماینده پادشاه هند از پادشاه خواهش کرد که جلوی این مبارزه را بگیرد.



قربان این کار خطرناک است. این فیل، پهلوان دربار شما را زیر پاهایش له خواهد کرد.





پهلوان!

هنر نیست که با گرز با این  
حیوان مبارزه کنی. گرز را  
دور بینداز.



خدایا خودت  
رحم کن.

من از این مبارزه  
می‌ترسم.



بیا جلو ببینم.



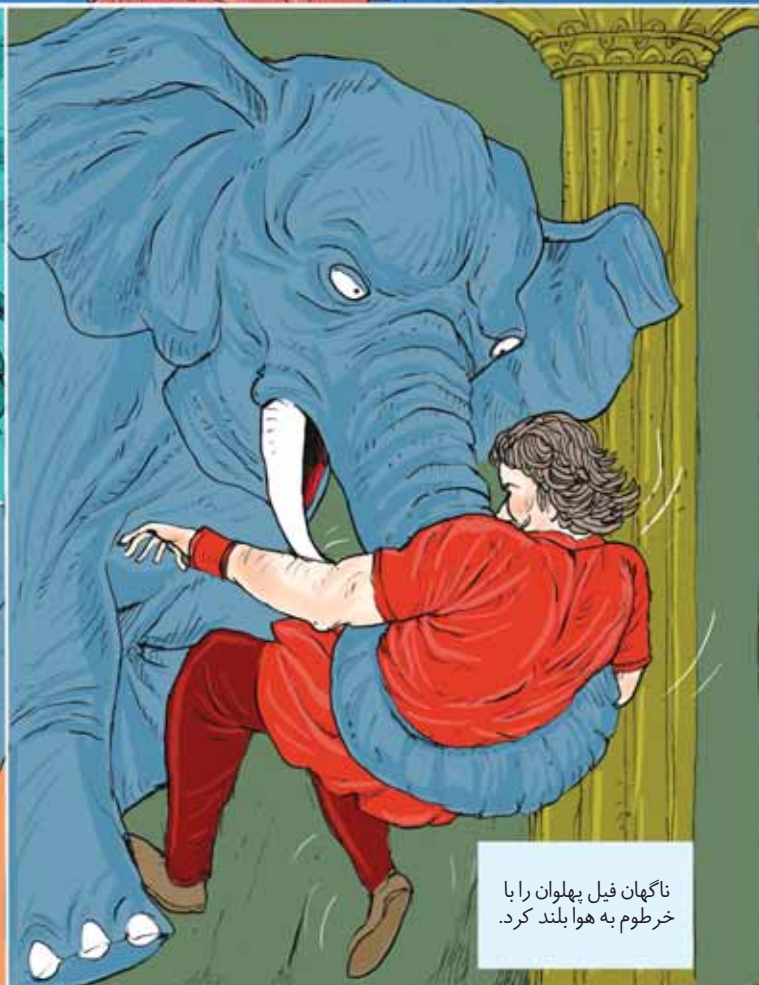
صحنه وحشتناکی بود.  
پهلوان با دست خالی به  
مبارزه با فیل پرداخت.



پهلوان گرز را به کناری  
انداخت.



خدایا خودت  
کمکم کن.



ناگهان فیل پهلوان را با  
خرطوم به هوا بلند کرد.



ادامه دارد ...